

متن پرسش

عرض سلام و ادب دارم خدمت استاد بزرگوار: بنده در زمانی اعتقاد راسخی به دین نداشتم و برایم اصلا فضای مذهبی جذاب نبود و سبک زندگی ای هم که داشتم مخالف سبک زندگی دینی بود. در برهه ای نیز برایم در پی شهادت یکی از شهیدان مدافع حرم دین مسئله شد و جذابیت خاصی برایم پیدا کرد و خب بسیار سعی کردم سبک زندگی مذهبی داشته باشم اما احساس می‌کردم دچار محدودیت فراوان هستم و آزادی ندارم و این سبک زندگی دینی را با آن احساس آزادی که بخواهم داشته باشم همخوانی ندارد. وقتی وارد فضای کار و به اصطلاح زندگی واقعی تر شدم مناسبات دنیای واقعی به نحوی شد که احساس می‌کنم نمی‌توانم هم آن ارزش ها را حفظ کنم و هم با این مناسبات پیش بروم. فی الحال در رشته علوم سیاسی مشغول به تحصیل هستم و حتی وقتی رشته خودم را می‌خوانم و یا کلا علوم غربی را می‌خوانم هم احساس می‌کنم وسعتی دارد که آن وسعت را در متون یا بطور کلی در سخنان بزرگان دینی حس نمی‌کنم و هم این وسعت همان وسعتی است گوته در کتاب فاوست خود به تصویر می‌کشد و همان مناسبات مفیستوفلس (شیطان) بر آن حاکم است. حتی این بر من در انجام دادن احکام نیز تاثیر گذاشته است و احساس می‌کنم یک قوه مفیستوفلسی توسعه گر با قوه دیگری که مناسبات دنیای مدرن را بر نمی‌تابد در کشمکش شدیدی هستند. بسیار در تحیر هستم و احساس اضطراب شدیدی نیز می‌کنم. احساسی بین سکون و تحرک دارم. نه ارزش های دینی را حفظ کرده ام (مصادق احادیثی شده ام که مورد مذمت قرار می دهند) و نه ارزش های مدرن را در عمل دارم که مرا به همان تحرک توسعه گرایانه وادارد. به لحاظ روحی احساس بسیار بدی دارم. احساس می‌کنم خودم با خودم در حال جنگیدنم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بالاخره در این تاریخ این مائیم و همین نحوه حضور و اندیشیدن به «جهانی بین دو جهان» با وسعتی که معرفت نفس در مقابل ما می‌گشاید تا از یک طرف متوجه حضور اکنون بیکرانه جاودانه خود بشویم و از طرف دیگر در تاریخی که بر توسعه تکیه دارد، حاضر باشیم. در این رابطه است که عریضی تحت عنوان «جهان بین دو جهان» در ۵ مجلد در سایت هست. خوب است به اولین آن‌ها تحت عنوان «انقلاب اسلامی طلوع جهانی بین دو جهان، تفکر در مواجهه با متفکران و فهم ایران و انقلاب» <https://lobolmizan.ir/book/۶۱۲?mark=%D۸%BY%D۹%۸۴%D۹%۸۸%D۸%B۹>.

رجوع شود. موفق باشید